# kish

# دانشگاه بین المللی کیش

**پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد**

**رشته روابط بین الملل**

**عنوان:**

**بررسی ترتیبات امنیتی خلیج فارس**

**1990-1970**

**استاد راهنما:**

**استاد مشاور:**

**نگارنده:**

# تقدیم به

# دوست خاموشم

# شهید

# فهرست مطالب

**فصل اول:کلیات**

**طرح مسأله 8**

**علل انتخاب موضوع 10**

**ادبیات موجود 10**

**سوال اصلی تحقیق 10**

**سوالات فرعی 11**

**مفروض(های) تحقیق 11**

**فرضیه(های) تحقیق 11**

**مفاهیم 11**

**روش تحقیق 12**

**سازماندهی تحقیق 12**

**موانع تحقیق 16**

**فصل دوم: مباحث تئوریک امنیت و چارچوب نظری تحقیق**

**بنیانهای مفهومی و تئوریک امنیت 18**

**تعریف امنیت 19**

**نظامهای امنیتی 19**

**ویژگیهای امنیت 21**

**الف)تجزیه ناپذیری امنیت 21**

**ب) ذهنی بودن امنیت 22**

**رهیافت امنیتی 24**

**الف) دیدگاه رئالیسم نسبت به امنیت 25**

**ب)رهیافت ایده آلیستی یا لیبرالیستی امنیت 26**

**ابعاد داخلی امنیت 27**

**ابعاد اقتصادی امنیت 28**

**ابعاد زیست محیطی امنیت 30**

**دیدگاه سوم درارتباط با امنیتintegrated approach 31**

**استراتژیهای امنیتی 32**

**استراتژیهای امنیتی بعد از جنگ سرد 33**

**مکاتب امنیتی بدیل برای امنیت خلیج فارس 34**

**چارچوبهای آلترناتیو 36**

**آیا پیوند های چند جانبه صلح و ثبات را تضمین می کند؟ 43**

**اقدامات امنیتی 46**

**دستور کار جدید 55**

**منابع فصل دوم 61**

**فصل سوم: سوابق طرحهای امنیتی**

**نظام امنیت ایرانی 66**

**نظام امنیتی انگلستان یا دوران صلح بریتانیایی 66**

**تحولات مفاهیم امنیتی و طرح های امنیت منطقه ای 67**

**پیمان بغداد 70**

**تشکیل سنتو 72**

**تحولات دهه 60 و خروج بریتانیا از خلیج فارس 72**

**سیستم امنیت دو ستونی(دکترین نیکسون- کسیسنجر) 75**

**موانع تحقق اهداف دکترین نیکسون 77**

**پایان سیستم امنیت دو ستونی نیکسون 78**

**دکترین کارتر 79**

**ارزیابی دکترین کارتر 82**

**دکترین ریگان(سیاست اتفاق نظر استراتژیک) 83**

**سیستم امنیتی شورای همکاری خلیج فارس 85**

**تشکیل شورای همکاری خلیج فارس 89**

**اهداف و مضامین شورا 90**

**اهداف اقتصادی 90**

**اهداف امنیتی شورا. 91**

**سیاست خارجی شورا 92**

**اول:جنگ ایران و عراق 92**

**دوم: بحران کویت 92**

**دلایل ضعف و ناتوانی شورا 93**

**الف) دلایل ضعف شورا از بعد تئوریک 93 ب) موانع عملی فراروی شورا 96**

**1 – عدم فراگیری شورا 96**

**2- اختلافات ارضی و مرزی بین اعضاء 98**

**3- ناتوانی شورا ناشی از ضعف نظامی 99**

**بحران اول و دوم خلیج فارس 99**

**بیانیه دمشق و طرح امنیتی 2 + 6 100**

**انگیزه ها و اهداف طراحان سیستم امنیتی 2 + 6 103**

**1– آمریکا 103**

**2- اهداف کشورهای عربی از شرکت در طرح2+6 104**

**بررسی دلایل ناکامی طرح امنیتی 2 + 6 104**

**طرحهای امنیتی دو جانبه 109**

**نقش و هدف آمریکا 110**

**اقدامات عملی برای استقرار سیستم 112**

**ارزیابی طرح امنیتی دو جانبه 112**

**نگاه برون منطقه ای به عنوان آخرین آلترناتیو (تجربیات تاریخی) 114**

**منابع فصل سوم** **116**

**فصل چهارم: بررسی نقش ساختارها و ظرفیتهای داخلی کشورهای حاشیه خلیج فارس در پیدایش طرحهای امنیتی در منطقه خلیج فارس**

**1 – شکافهای سیاسی و اجتماعی(طبقه متوسط جدید) 123**

**2 – تضاد های فرهنگی 124**

**3 – معضلات نسل جوان 126**

**4 – بحران مهاجرت 127**

**5 – جنبش های سیاسی– مذهبی 129**

**اساس مشروعیت در دولتهای عربی حوزه خلیج فارس 133**

**منابع فصل چهارم 140**

**فصل پنجم: بررسی نقش عوامل منطقه ای در ظهور و سقوط طرحهای امنیتی در منطقه خلیج فارس**

**مباحث مربوط به کشورهای عربی حوزه خلیج فارس 145**

**الف) تهدیدات مشترک متوجه کشورهای عربی حوزه خلیج فارس 145**

**1- تهدیدات ناشی از بافت جمعیتی ناهمگون 145**

**2- بحران مشروعیت و هویت 148**

**تهدیدات خاص متوجه هر کدام از کشورهای عربی حوزه خلیج فارس 156**

**عربستان سعودی 156**

**کویت 157**

**امارت عربی متحده 158**

**قطر، بحرین، عمان 160**

**مباحث مربوط به ایران و عراق 160**

1. **ایران .160**

**الف) تهدیدات اقتصادی 160**

**ب) تهدیدات سیاسی 161**

**ج) تهدید ناشی از حضور بیگانگان در منطقه. 162**

**2 ) عراق 165**

**انقلاب اسلامی ایران به عنوان عامل همگرایی و واگرایی 166**

**مشکل کشورهای منطقه در ایجاد یک سیستم امنیت منطقه ای 170**

**منابع فصل پنجم 176**

**فصل ششم: بررسی نقش عوامل فرا منطقه ای در پیدایش و تداوم نظامهای امنیتی در**

**منطقه خلیج فارس**

**آمریکا 180**

**تلقی آمریکا از مفهوم تهدید 184**

**برنامه کمکهای امنیتی به کشورهای خلیج فارس 186**

**نیروی واکنش سریع آمریکا و عملکرد های آن 189**

**اتحاد جماهیر شوروی 192**

**دکترین برژنف و امنیت خلیج فارس 193**

**مصر 194**

**سوریه 196**

**منابع فصل ششم** 198

**سخن پایانی؛ تحلیلی بر عدم موفقیت طرحهای امنیتی در منطقه خلیج فارس 200**

**کتابشناسی تحقیق 211**

**فصل اول**

**کلیات**

**طرح موضوع**

خلیج فارس همواره در طول تاریخ خود جاذبه هایی داشته است که مورد توجه دیگران قرار می گرفت. این جاذبه ها در طی تاریخ متغیر بوده است. زمانی که تجارت و بازرگانی در رأس اولویت های دیگر کشورها بود خلیج فارس آنقدر ثروت و بازار مصرف داشت که مورد طمع دیگران قرار گیرد و سپس اروپائیان را یکی پس از دیگری روانه منطقه سازد و بعضی کشورهای منطقه خلیج فارس را صحنه تاخت و تاز و رقابت برای تسلط بر منطقه قرار دهند.

کشف ثروتهای بیکران و افسانه ای هند اهمیت خلیج فارس را دو چندان کرد و این بار علاوه بر موقعیت تجاری و بازرگانی خود، خلیج فارس به یک موقعیت استراتژیک و معبر آسان دسترسی به هند و حفاظت از آن تبدیل گشت. تا جائیکه بخشی از دوران طولانی رقابت ها در منطقه خلیج فارس بخاطر حفاظت و امنیت شبه قاره هند بود.

در طی نیمه دوم قرن 19 عامل دیگری بر اهمیت خلیج فارس افزود و بار دیگر نظر همگان را متوجه این منطقه ساخت. این عامل کشف ذخائر عظیم نفتی از یک طرف و وابستگی روز افزون دنیای صنعتی به این ماده حیاتی از طرف دیگر بود به طوری که تمامی دنیا را درگیر موضوعات امنیتی خلیج فارس کرد و همچنان که وابستگی به نفت بیشتر می شد حساسیت نسبت به تحولات و حتی سیاست گذاریها در این منطقه بیشتر می گردید.

این وابستگی زمانی روشنتر می گردد که بدانیم خلیج فارس با 565 میلیارد بشکه ذخائر نفتی، 63% کل ذخائر شناخته شده نفتی را در دل خود جای داده است. خلیج فارس علاوه بر نفت به لحاظ ذخائر گازی نیز دارای اهمیت است؛ به طوری که دارای7/30 تریلیون متر مکعب ذخیره گازی است که معادل 5/28% کل ذخائر کشف شده گاز طبیعی جهان است.

تحولات دنیا در دوران کنونی بر ارزش منطقه روز بروز می افزاید و این تحولات را می توان اول در زمینه جانشینی انرژی مورد بحث قرار داد. باید گفت دنیا تا کنون به یک جایگزین ارزان که توان رقابت با نفت را داشته باشد دست نیافته است و لااقل تا چند دهه دیگر چنین خواهد بود. دوم اینکه در زمینه تناسب بین رشد جمعیت و میزان کشف انرژی، این تناسب هر چه بیشتر به زیان انرژی پیش می رود به طوری که سالانه حدود 80 میلیون نفر به جمعیت دنیا افزوده می شود و این افزایش جمعیت به معنای افزایش مصرف انرژی است، و افزایش انرژی با نرخ رشد جمعیت حتی با تکنولوژیهای پیشرفته غیر قابل تصور است. سوم اینکه این ماده حیاتی در بقیه جاهای دنیا به سرعت در حال اتمام است و یا اینکه هزینه کشف و استخراج آن بسیار بالاست، در حالیکه در منطقه خلیج فارس این ماده نفتی به وفور و به آسانی بدست می آید و همین عامل علاقمندی به دسترسی به منابع نفتی منطقه را افزایش می دهد.

در نتیجه عوامل فوق امروزه امنیت خلیج فارس به دلمشغولی اصلی تولید کنندگان و مصرف کنندگان نفت تبدیل شده است و همین امر باعث شده تا تلاشهای زیادی برای ایجاد یک سیستم امنیتی در خلیج فارس که مساوی با دسترسی آسان، مطمئن، و با قیمت مناسب به نفت است صورت گیرد. هر چند که این ثبات در مواردی به زیان تولید کنندگان و یا حتی به بهای دخالت در امور داخلی آنها تمام شده است. هدف این تحقیق بررسی تلاشهایی است که از دهه 70 م. تا زمان حال برای ایجاد سیستمهای امنیتی در منطقه صورت گرفته است. در این بررسی سعی شده است بنا به موقعیت و شرایط زمانی عوامل دخیل در امنیت خلیج فارس روشن گردد و در این راستا نقش عوامل داخلی و خارجی دخیل در امنیت و در حقیقت گستره موضوعات امنیتی خلیج فارس روشن گردد. با این هدف که نقش عوامل فرامنطقه ای و ارتباط آنها با عوامل درون منطقه ای در ایجاد یک سیستم منطقه ای مورد بررسی و تحقیق قرار گیرد. به عبارت دیگر این تحقیق میزان تاثیر گذاری قدرتهای خارجی بر تحولات امنیتی خلیج فارس را مورد بحث قرار می دهد و در هر کدام از سیستمهای امنیتی که طی دهه های70 و80 م. شکل گرفته است به نحوه دخالت عامل خارجی، ارتباط آنها با کشورهای منطقه، دل نگرانی های آنها، و تلاش برای ایجاد یک سیستم امنیتی و خصوصاً نقش کشورهای منطقه در ایجاد این نظام امنیتی پرداخته می شود. اصلی ترین موضوع بحث، دلایل ناکامی و فروپاشی طرحهای امنیتی در منطقه است که علیرغم احساس نیاز منطقه به این سیستم امنیتی، چرا این طرحها هیچکدام نتوانسته اند امنیت منطقه را برقرار سازند و هر گاه با بحران یا خطری جدی روبرو شده اند ناکارآمدی خود را نشان داده اند و در حقیقت هر کدام از این نظامها به محض برخورد با اولین بحران و تهدید بلافاصله فروپاشیده و زمینه ظهور یک نظام امنیتی دیگر را مهیا کرده است.

در راستای فرضیه تحقیق که دلیل شکست این طرحها را فقدان ساختارهای ملی، و شکاف و رقابتهای منطقه ای دانسته که باعث شده اند تا عوامل مداخله گر در سیستم بر محور قدرت هژمون سرنوشت امنیت منطقه را در طول دوره مد نظر رقم بزنند، بحث خواهد شد که چون بازیگران دخیل در موضوع امنیت خلیج فارس هر کدام از نظر درونی پیشاساختاری بوده و از نظر منطقه ای نیز با انبوهی از رقابتها و شکافها نسبت به واحدهای اطراف خود روبرو هستند و همچنین با دیدگاهها و اهداف و تلقی متفاوتی از مفهوم تهدید دور هم جمع می شوند و این امر هم ناشی از یک ضرورت فوری است، به همان میزان که فهم و تلقی آنها از تهدید و خطر بر اثر فروکش کردن تب بحران تغییر می یابد سیستم به فروپاشی نزدیک می شود و ایجاد یک سیستم امنیتی منطقه ای موفق را مشروط به شناسایی دقیق خطرات و منابع ناامنی در منطقه توسط بازیگران ذینفع در چارچوب امنیت خلیج فارس می دانیم.

**علل انتخاب موضوع**

این موضوع به علت علاقه به مباحث مربوط به خلیج فارس و شناخت بیشتر این ناحیه انتخاب شد**.**

**ادبیات موجود**

بررسی موضوع امنیت خلیج فارس هر چند دارای متون گسترده ای است اما به دلیل ورود مولفه­های جدید و شرایط دائماً دگرگون شونده، آثار موجود ظرفیت تحلیل را دارا نمی باشند.

**سوال اصلی**

دلائل اصلی ناکارآمدی طرحهای امنیتی در خلیج فارس چیست؟

**سوالات فرعی**

1) نقش ساختارها و ظرفیت های داخلی کشورهای حاشیه خلیج فارس تا چه اندازه در پیدایش طرحهای امنیتی در این منطقه موثر بوده و بر کارآمدی و ناکارآمدی آنها اثر دارد؟

2) نقش عوامل منطقه­ای در ظهور و سقوط طرحهای امنیتی در منطقه خلیج فارس تا چه اندازه موثر بوده و می­باشد؟

3) نقش عوامل و مولفه های مداخله گر در سیستم(intrusive system)در پیدایش و تداوم نظامهای امنیتی در خرده منطقه خلیج فارس چیست؟

**مفروض**

علیرغم دگرگونی در مفهوم امنیت از ابعاد سخت افزاری به نرم افزاری، چارچوبهای بدیل امنیتی در خلیج فارس در فاصله سالهای1990-1970 با جهت گیری سخت افزاری و عمدتاً در بعد نظامی رقم خورده است.

**فرضیه**

فقدان ساختارهای ملی، و شکاف و رقابتهای منطقه ای در بین کشورهای حاشیه خلیج فارس، نقش غالب در شکل گیری طرحهای امنیتی در این منطقه را به نیروهای مداخله گر در سیستم محول نموده است و منحنی تحول، ظهور و سقوط طرحهای امنیتی بدیل در خلیج فارس در فاصله سالهای1990-1970 با محوریت نظریه هژمون رقم خورده است.

**مفاهیم**

در این رساله مفاهیم چندی به کار رفته که به دلیل برداشت خاص مورد نظر این پژوهش نیاز به تعریف آنها احساس می شود.

**امنیت:** تلاش واحدهای سیاسی برای افزایش توانمندیها و امکاناتشان جهت رسیدن به وضعیتی که خود را ایمن از لطمات ناشی از عملکرد سایر بازیگران در عرصه سیاست بین الملل بیابند.

**نظام امنیتی:** ساختارهای امنیتی بر مجموعه ای از منافع و معیارهای مشترک تأکید می کنند و موجب می شوند تا اعضا به دلیل محیط هرج و مرج حاکم، از اتکای صرف به خود دوری نموده و به سوی ترتیبات گروهی و دسته جمعی برای تأمین امنیت خود متمایل گردند.

**امنیت منطقه ای**: یک مجموعه امنیتی دارای مکان و فضای جغرافیایی است که روابط امنیتی مستمر در آن جریان دارد و اعضای آن دارای تعاملات امنیتی تنگاتنگ با یکدیگر می باشند.

**روش پژوهش**

در انجام فرایند این تحقیق از روشهای تحلیلی- توصیفی استفاده شده است.

**سازماندهی پژوهش**

این رساله در شش فصل نگاشته شده است؛

فصل اول کلیات پژوهش را در بر می گیرد.

فصل دوم مبانی تئوریک امنیت را به عنوان پشتوانه مفهومی رساله فراهم می آورد. در این فصل تعریف امنیت، نظام امنیتی، امنیت منطقه ای، و نیز ابعاد و ویژگیهای امنیت، و همچنین استراتژیهای مختلف امنیتی، مکاتب مختلف در برخورد با مقوله امنیت، و نظریه هژمون به عنوان اساس پردازش فرضیه این تحقیق به صورت نظری آورده می شوند.

در فصل سوم به سوابق طرحهای امنیتی اشاره شده است که در آن به نظام امنیت ایرانی که به دوران سیطره ایران بر منطقه خلیج فارس اطلاق می شود اشاره گردیده است. و به دنبال آن به دوران تسلط بریتانیا یا دوران صلح بریتانیایی که به مدت یکصد و پنجاه سال طول کشید پرداخته شده که در این دوران بریتانیا حاکمیت بلامنازع داشته است و توانست با سرکوب دزدان دریایی و نیروهای محلی و رقبای اروپایی خود، امنیت را در منطقه خلیج فارس برقرار کند. از ابتدای ورود اروپائیان و خصوصاً انگلستان به منطقه، امنیت برای آنها در مسائل تجاری و اقتصادی بوده است و سپس مسأله شبه قاره هند هم در حیطه موضوعات امنیتی انگلستان قرار گرفت.

تحولات جدید و کشف نفت به تلقی سنتی از امنیت پایان داد و کشف نفت دوره جدیدی از رقابت بین قدرتهای خارجی را در منطقه باعث شد. که در این رقابت نفت و دسترسی آسان به آن در رأس موضوعات امنیتی آنها قرار داشت.

تحولات دهه 60 م. باعث شد تا انگلستان پس از 370 سال حضور در خلیج فارس از این منطقه خارج شود و جای خود را به قدرت نو ظهور آمریکا بدهد. با فروپاشی نظام امنیتی بریتانیا یا دوران صلح بریتانیایی، تلاشهای جدیدی از طرف آمریکا و قدرتهای محلی برای پر کردن خلاء امنیتی صورت گرفت، و آمریکا می کوشید تا با سپردن مسئولیت امنیتی به کشورهای منطقه، خود از دور ناظر بر اوضاع باشد. این تلاشها در قالب دکترین دو ستونه نیکسون – کیسینجر شکل گرفت که بر اساس آن مسئولیت امنیت به دو کشور اصلی منطقه یعنی ایران و عربستان سعودی سپرده شد. ایران به خاطر موقعیت استراتژیکی، جمعیتی و نظامی خود، و عربستان بخاطر موقعیت سیاسی بین اعراب و نیز موقعیت اقتصادی خود که ناشی از نفت فراوان بود مورد انتخاب واقع شدند. دکترین نیکسون در حقیقت ناشی از دو عامل بود. یکی مسائل داخلی آمریکا در نتیجه جنگ ویتنام، و دیگری عامل بین المللی که همان تنش زدایی با شوروی بود. این طرح به مدت یک دهه توانست یک نوع امنیت ژاندارم مآبانه را در منطقه خلیج فارس برقرار سازد که منافع آمریکا را به بهترین نحو تأمین می کرد. وقوع انقلاب اسلامی ایران و فروپاشی یکی از ستونهای طرح نیکسون– کیسینجر یعنی حکومت شاه، به عمر سیستم امنیتی نیکسون- کیسینجر هم پایان داد.

وقوع انقلاب اسلامی ایران باعث ارائه طرحهای امنیتی دیگری در منطقه شد که از آن جمله می­توان به دکترین کارتر اشاره کرد که در حقیقت نوعی حضور مستقیم در منطقه بود و تکیه اصلی آن بر ایجاد یک نیروی واکنش سریع برای مداخله بود و این طرح بنا به دلایلی نتوانست موفق باشد.

تلاش برای ایجاد یک سیستم منطقه ای از طرف دولتهای منطقه منجر به تشکیل شورای همکاری خلیج فارس گردید. این شورا متشکل از 6 کشور عربی حوزه خلیج فارس بود که می بایست به شکل یک کنفدراسیون دور هم جمع می شدند. اهداف اولیه این شورا اقتصادی اعلام گردید ولی عملاً به موضوعات نظامی و امنیتی می پرداخت. فروپاشی پیمان سنتو و جنگ ایران و عراق عامل اصلی تشکیل این شورا گردید و این شورا تلاشهای زیادی را برای ایفای یک نقش فعال در منطقه انجام داد ولی هیچکدام موفق نبود و نهایتاً خود به یکی از طرفهای درگیر در جنگ ایران و عراق تبدیل شد.

علت ضعف و ناتوانی شورا را می توان در یک نکته دانست که اصولاً کشورهای عضو هر کدام اختلافات حل نشده زیادی با هم داشتند که وقوع انقلاب اسلامی در ایران و به دنبال آن جنگ ایران و عراق و احساس تهدید مشترک از جانب ایران باعث کنار گذاشتن اختلافات آنها شد، ولی پایان جنگ و نزدیکی آنها به ایران بار دیگر اختلافات حل نشده قدیمی را آشکار ساخت و کشورهای عضو را به تقابل کشاند.

عامل دیگر که اوج ضعف و ناتوانی شورا بود همانا اشغال کویت توسط عراق و عدم توان مقابله این شورا با عراق بود که اعضا هر کدام متقاعد شدند که در صورت تکرار چنین حمله ای شورا قادر به تضمین امنیت آنها نیست و می بایست آنها راه دیگری برای امنیت خود پیدا کنند.

تلاشهای جدید که برای ایجاد یک سیستم امنیتی دیگر هم از طرف آمریکا و هم کشورهای عربی صورت گرفت ناشی از بحران اشغال کویت بود. از آنجا که کشورهای عربی منطقه ضعف اصلی خود را در فقدان نیروی انسانی مناسب می دیدند لذا برای جبران این ضعف متوجه کشورهای عربی خارج از منطقه یعنی مصر و سوریه شدند. و این تلاش در قالب سیستم امنیتی 2+6 تجلی یافت.

این سیستم با حمایت و تشویق آمریکا شکل گرفت و قرار شد که نیروهای سوری و مصری در مقابل دفاع از اعراب منطقه از امتیازات اقتصادی بهرمند گردند، و یکی از دلایل اصلی آن اعطای یک پوشش عربی به این سیستم امنیتی بود تا نقش مستقیم آمریکا کم رنگ گردد ولی از آنجا که اعضا اصلی این سیستم هر کدام انگیزه و اهداف متفاوتی داشتند و اصولاً احساس تهدید مشترکی بین آنها وجود نداشت و از طرف دیگر این سیستم برآمده از بحران کویت بود پس از فروکش کردن بحران خیلی زود از هم پاشید و نیروهای مصری و سوری منطقه خلیج فارس را ترک کردند.

پس از شکست طرح 2+6، سیستم امنیتی جایگزینی که در منطقه شکل گرفت طرحهای امنیتی دو جانبه بود و در این سیستم هر کدام از کشورهای عربی به طور جداگانه قراردادهای دفاعی با کشورهای غربی از جمله آمریکا و انگلستان منعقد ساختند. بدین ترتیب امنیت خود را به حضور مداوم و گسترده نیروهای خارجی گره زدند.

فصل چهارم به بررسی آفات درونی کشورهای حاشیه خلیج فارس می پردازد و بحرانهای درونی این کشورها که را توضیح می دهد. به نظر می رسد ناتوانی این کشورها در حل بحرانهای هویت، مشروعیت، مشارکت، رسوخ پذیری، توزیع، ادغام، و یکپارچگی، موجب توسل آنها به قدرت هژمون برای تأمین امنیت منطقه خلیج فارس می گردد.

فصل پنجم تأثیر متغیرهای منطقه ای مانند رقابتهای منطقه ای، تعدد منابع تهدید و از این رو تعدد تلقی از تهدید را در ظهور، عملکرد، و فروپاشی سیستم های امنیتی خرده منطقه خلیج فارس تحلیل می کند.

فصل ششم نیز نقش عوامل فرامنطقه ای در پیدایش و تداوم نظامهای امنیتی در خرده منطقه خلیج فارس را مورد تأمل قرار می دهد. در خصوص نقش موسوم به قدرتهای خارجی، ایالات متحده تنها قدرت خارجی این منطقه می باشد که نقش عمده ای در تحولات منطقه دارد، اگر چه در این پژوهش همچنین به بررسی نقش مصر، سوریه و اتحاد جماهیر شوروی نیز می پردازیم و کوششهای این کشورها برای تأثیر گذاری در چارچوب امنیت منطقه را مورد مداحه قرار می دهیم.

در قسمت پایانی این تحقیق به بررسی دلایل عدم موفقیت طرحهای امنیتی در منطقه اشاره می کنیم که به بحث عدم تلقی واحد از مفهوم تهدید میان کشورهای اصلی دخیل در امر امنیت خلیج فارس می پردازیم، و به این نتیجه می رسیم که هر کدام از این کشورها-آمریکا، ایران، عراق و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس- دیدگاه و تلقی متفاوتی از مفهوم تهدید دارند که گاهی در تضاد با یکدیگر قرار می گیرند و لذا چون نگرانی های امنیتی یکسانی ندارند در نتیجه نمی توانند با ایجاد یک سیستم امنیتی دسته جمعی نیازهای امنیتی یکدیگر را پاسخ دهند. در موارد بسیاری این تلقی متفاوت از امنیت در بین این مجموعه از کشورها، ناشی از منافع متضاد حاکمیتهای منطقه است. منافع و امنیت عربستان، عراق، و ایران آنقدر در مقابل هم قرار دارد که مشکل می توان به برآیند مشخصی از این منافع دست یافت. بی تردید جستجوی یک برآیندی معقول از منافع این دسته از کشورها گریز ناپذیر است؛ به عبارت دیگر، باید منافع این واحدها قابل جمع باشد.

همچنین اگر بر اساس آموزه های مکتب کپنهاک به بررسی مقوله امنیت در خلیج فارس بپردازیم، این امنیت نه معطوف به شهروندان است و نه جامعه، بلکه هدف امنیت، به طور خاص امنیت رژیمهای حاکم است.

در پایان نیز نتیجه گیری کرده و برای برون رفت از معمای امنیت منطقه خلیج فارس با توجه به عیوب طرحهای سابق و نیز واقعیت های منطقه به ارائه پیشنهاد می پردازیم.

**موانع تحقیق**

جهت تدوین این رساله مشکلات بسیاری فراروی محقق وجود داشت از جمله: فقدان منابع در دانشگاه محل تحصیل به طور مطلق، مشکلات و محدودیتهای فرا راه دسترسی به منابع کتابخانه های تهران، کمبود زمان برای ترجمه حجم عظیمی از منابع انگلیسی و نیز انجام فرایند تحقیق، همچنین مسائل مربوط به تازگی دیدگاه، حساسیت، چند سطحی بودن، و نیز ماهیت بحث برانگیز مسأله مورد پژوهش است.